

ادامه از صفحه اول

انفعال اعراب به سود ایران

آمریکا درعین‌حال تلاش کرده با حمایت اطلاعاتی و لجستیکی از حمله عربستان به یمن و در موضعن ائتلاف علیه داعش- که بی‌نتیجه خاتمه یافت- نوعی دلجویی از این کشور را صورت دهد. حتی اخیرا شایعه استقرار سیستم دفاع موشکی آمریکا در خلیج فارس مطرح شده است، ناوگان پنجم دریایی ایالات‌متحده در یمن به‌سر می‌برد و در عمان و کویت پایگاه هوایی این کشور، فعال است، اما اعراب همچنان منفعل و ناراضی رفتار می‌کنند. مشخص است که عدم حضور چهار پادشاه در اقامتگاه رئیس‌جمهور آمریکا، از اثرگذاری نشست خواهد کاست و کم‌رق‌شدن روابط میان اعراب با ایالات‌متحده را تشدید خواهد کرد.

مایا آنها؟

... شاهد تقابل گروه‌های مختلف با یکدیگر در عرصه‌های گوناگون هستیم. در عرصه فرهنگ، این تقابل، نمودی جدی‌تر یافته و باعث صنف‌بندی گروه‌هایی شده که هرکدام حقوق خود را مطالبه می‌کنند. آنچه در دو سال گذشته از عمر دولت یازدهم شاهد بوده‌ایم، بی‌توجهی به مطالبات به‌محاق‌رفته هنرمندان و اهل فرهنگی است که برای یک دهه، عملا، جزء حذف‌شدگان بودند. شاید یادآوری آن بخش از تجربه مثبت عقبه اصلاح‌طلبی در دهه ۷۰ شمسی که اتفاقا مربوط به فوران و گوناگونی و تضادهای مطالبات فرهنگی بود، به دولت مستقر، مفید باشد. دولت اصلاحات خوب می‌دانست که در قبال مطالبات گاه متضاد، باید موضعی شفاف اتخاذ کند و فرهنگ عرصه‌ای نیست که بتوان در مورد آن معاشات و رضایت همه گروه‌ها را جلب کرد. مسلما، هنروغ گشایش و بازشدن فضای جامعه- که خواست جامعه شهری ایرانی است - با اعتراض گروه‌هایی همراه می‌شود که منافع خود را در این بین از دست خواهند داد. این طرف‌داری از جانب گروه‌های حامی دولت سیاستی بود که، از قضا، در دولت نهم و دهم و با روی‌گرداندن به سمتی دیگر نیز روی داد، اما در دولت یازدهم عملا شاهد سرریزشدن تقابلهای موجود بین «ما» و «آنها» از حوزه فرهنگ و سیاست به حوزه‌های دیگری همچون سیاست خارجی و اقتصاد بوده‌ایم؛ تقابلهایی که شاید بتوان آنها را از دستور کار دولت حول یک دال گفتمانی به نام «اعتدال» خارج کرد؛ اما در واقعیت موجود اجتماعی و در صورت برآوردن‌نشدن، منتج به نتایجی می‌شود که فروریختن بدنه اجتماعی دولت در انتخابات بعدی و قربانی‌شدن اعتدال فقط یکی از آنهاست. شاید رازروزم استعاره و ایهام را در زبان دولتمردان باید در این محمل جست‌وجو کرد.

بریتانیا و ج‌رخش قدرت

اگرچه وعده‌هایی در زمینه سیاست خارجی در این انتخابات پررنگ نبود، اما دیوید کامرون، رهبر حزب برنده این انتخابات، وعده داده بود که در روابط کشورش با اتحادیه اروپا بازنگری کند و موضوع باقی ماندن در این اتحادیه را به همه‌پرسی بگذارد. درحالی‌که برگزاری همه‌پرسی عضویت بریتانیا در اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۷ تقریبا قطعی شده است، نسل کنونی و جوان این کشور با تصمیمی مهم درباره آینده خود در اروپا و مردم اسکاتلند در زمینه ماندن در بریتانیا روبه‌رو هستند. نظام انتخاباتی بریتانیا که مبتنی‌بر اکثریت نسبی در حوزه‌های انتخاباتی و اکثریت مطلق در انتخاب رهبر حزب برنده در مجلس است، یک‌بار دیگر توانایی تاریخی خود را در بیرون‌راندن احزاب کوچک‌تر از دایره قدرت نشان داده است. به‌دنبال انتخابات در گذشته در سال ۲۰۱۰، این نظریه جدی‌گرفت که عصر دولت‌های حزبی با اکثریت مطلق در این کشور به پایان رسیده و از این به‌بعد باید با دولت‌های ائتلافی که قدرت تصمیم‌گیری ضعیف‌تری دارند، جامعه را مدیریت کرد. نگاهی به وعده‌های انتخاباتی احزاب که تا حده هم‌گن و غیرمتضاد و ناشی از واقعیت‌های جامعه انگلیس بود، نشان آن را دارد که احزاب بریتانیا به سمت مصالحه و توازن بیشتر سیاسی- اجتماعی و دوری از تقابل موضع و طبیعتا عدم‌پیوندکردن جامعه و فعال‌نکردن گسل‌های اجتماعی پیش می‌روند. نگاهی به نگرش‌ها، موضوع‌گیری و موقعیت سه حزب مهم این کشور در طول این انتخابات نشان از صحت این ادعا دارد:

حزب محافظه‌کار: با وجود همه نظرسنجی‌ها و پیش‌بینی‌ها که معتقد بودند دولت آینده نیز ائتلافی است، پیروزی دیوید کامرون دستاوردی خارق‌العاده است. رتبه تنها یک‌بار در تاریخ انتخابات معاصر، در دهه ۸۰ و رهبریت «مارگارت تاچر» بود که دولت وقت به اکثریت قاطع رسید، اما تحلیلگران معتقدند که کسب اکثریت کرسی‌ها برای دیوید کامرون یک پیروزی شخصی تلقی می‌شود تا پیروزی برنامه‌ها و عملکرد حزب. اما همین امر او را آسیب‌پذیرتر خواهد کرد. زیرا این نتیجه برای آن‌دسته از اعضای حزب که درصدد بودند از انتخابات کنونی را فرصتی بالقوه برای خلاص‌شدن از فشار دیوید کامرون بدانند، یک شکست محسوب می‌شود و این به این‌معناست که او در مقابل طغیان و فشارها از سوی هم‌حزبی‌های خود بسیار آسیب‌پذیرتر از پیش خواهد بود و این مسئله احتمالا زمینه تکرار سال‌های طاقت‌فرسای را فراهم می‌آورد که جان میچر در رأس قدرت بود.

ادامه در صفحه ۱۹

برخورد رacht با بحران بیرونی نشان قدرت درونی محمود سریع‌القلم، استاد دانشگاه شهید بهشتی



روپا و شمال آمریکا را مطالعه کنیم، مشاهده می‌کنیم توسعه و رشد از طریق جامعه آغاز شد که به دنبال آن جامعه قدرتمند شد و تولید کرد و ثروتمند شد و حاکمیت‌ها را به چالش کشید و سپس در فرایند چند قرنه میان جامعه و حاکمیت، به قرارداد اجتماعی و نظم عمومی دسترسی پیدا کردند، اما وقتی خارج از غرب اروپا و غرب آمریکا به موضوع توسعه نگاه می‌کنیم حتی یک کشور پیدا نمی‌شود که مردم بگویند خواهان رشد و توسعه هستیم. از ژاپن گرفته تا ویتنام، امارات، ترکیه، برزیل و آژانتین امر توسعه‌یافتگی تصمیمی در سطح حاکمیت‌ها بوده است. حاکمیت‌ها هستند که می‌توانند توسعه‌یافتگی را به ثمر برسانند. البته جوامع هم توانایی این کار را دارند، اما راه بسیار طولانی است. در اروپا هم امر توسعه‌یافتگی در چند قرن رخ داده است، اما راه سریع در این جهان در جارجوب حاکمیت‌ها قابل تحقق است. اصول توسعه‌یافتگی مبتنی‌بر تجربه بشری بوده و جنبه بین‌المللی دارد که صنعتی‌شدن، بوروکراسی کارآمد، شایسته‌سالاری، هماهنگی میان سه قوه، توزیع عادلانه امکانات، دانشگاه و مؤسسات حل‌المسائلی و محوریت تولید و فناوری و تصمیم اقتصادی غیرسیاسی از فاکتورها و اصول آن است. الگوهای توسعه‌یافتگی برمنبای ثروت و مزیت نسبی در حوزه‌های مختلف متفاوت است، یعنی صنعتی‌شدن ژاپن، با آمریکا با انگلستان با آلمان متفاوت است و هر کشوری باید به تناسب خود، الگوی توسعه‌یافتگی و مزیت نسبی خود را تعریف کند. درباره بنیان‌های فکری مورد اجماع و بنیان‌های جهان‌شمول سیاست‌گذاری باید گفت ایران بعد از یک‌ونیم قرن، درباره واژه توسعه هنوز به بنیان‌های فکری مورد اجماع نرسیده است؛ یعنی زمانی که هر دولتی به قدرت می‌رسد تعریف خود را از عدالت، کارآمدی و نظام بین‌الملل دارد. تا زمانی که اختلافات فکری در یک کشور در جارجوب فلسفی وجود داشته باشد، خروجی آن گوناگون خواهد بود. در کشور ما هنوز از مانع اول، یعنی دسترسی به اجماع فلسفی و فکری، عبور نکرده‌ایم. در تاریخ توسعه مشاهده نمی‌کنیم که یک کشور در داخل خود توانایی توسعه را داشته باشد. هر کشوری که توسعه پیدا کرده، با جهان و کشورهای مختلف ارتباط برقرار کرده است. درحال حاضر ۱۲۶ ملیت در امارات کار می‌کنند یا ترکیه سال گذشته رتبه چهارم توریسم دنیا را کسب کرده است. بنابراین جنبه بین‌المللی‌شدن و تجارت بسیار حائزاهمیت است. قفل‌شدن به کشورهای دیگر، بین‌المللی‌شدن، فعالیت متمرکز و تخصصی، تفکیک قدرت‌های اقتصادی از سیاسی، تبادل با بازارهای کار، سرمایه و فناوری، پشتیبانی طبقه متوسط و اقشار حرفه‌ای جامعه از توسعه‌یافتگی، به عنوان مجموعه عوامل توسعه‌یافتگی در کشور ما دیده می‌شود. به عنوان مثال ۲۱٫۸ میلیارد دلار خریداری کرد یا آمریکا در قرن ۲۱ مهم‌ترین موضوع استراتژی خودش را تسلط بر آ‌ئی تعریف کرده است. پیش‌بینی می‌شود که نرخ رشد اقتصادی جهانی در ۲۰۱۸، ۶٫۸، چین، ۶٫۸، انگلستان ۳٫۲ و آمریکا ۲٫۱ و اروپا و ژاپن یک درصد باشد و امروزه کشورهای مختلفی به جهانی‌شدن فکر می‌کنند. به‌عنوان مثال ۲۴درصد مردم کشور اندونزی در سال ۲۰۰۰ در خط فقر بودند که تنها با مدیریت در حوزه اقتصاد کلان، این رقم در سال ۲۰۱۲ به ۱۲درصد رسید. کشوری در صحنه سیاست خارجی موفق است که در صحنه داخلی در حال تولید قدرت باشد. کسانی با بحران بیرونی راحت‌تر برخورد می‌کنند که در درون خود قوی‌تر باشند. اگر بخواهیم در بیرون از مرزا قدرت خودمان را حفظ کنیم که شایسته مساحت، تاریخ، اندیشه، ادبیت و توسعه آن است، مجبوریم استراتژی درون کشور است که دائما قدرت تولید کند. متأسفانه اکنون کانون مذاکرات هسته‌ای، ضعیف‌نگه‌داشتن ایران است و تلاش‌ها بر این است که در رسیدن منابع ملی و مالی به ایران تأخیر ایجاد کنند و ماهیت کار سیاسی است نه فنی. بنابراین هدف‌ها بر بقای ایران است نه پیشرفت و توسعه آن. اجماعی در بخش‌های درون وجود دارد که ایران ضعیف بماند. امروزه آیا می‌پذیریم که مدیریت کشور ما به‌شدت بخشی است یا تعریف میانگین از نظام بین‌الملل با مقتضیات توسعه‌یافتگی در تضاد است؟ به‌عنوان مثال چنین‌ها تناقضات سیاسی‌شان با جهان، حدود ۱۵ درصد است و ۸۵درصد در حال بهره‌برداری اقتصادی هستند و این رقم در روسیه ۴۵درصد تناقضات سیاسی و ۵۵درصد

اقتصاد

بزرگان اقتصاد در همایشی بررسی کردند

اقتصاد ایران در آستانه برنامه ششم

شرق، مهدی دهقان؛ دیروز اولین روز از سومین همایش مرزهای دانش اقتصاد توسعه با عنوان «چالش‌ها و چشم‌اندازهای اقتصاد ایران در آستانه برنامه ششم،» در دانشگاه اقتصاد علامه طباطبایی برگزار شد. این همایش که امروز هم ادامه دارد، به مناسبت دوازدهمین سالگرد درگذشت دکتر حسین عظیمی در دو نشست جداگانه برگزار شد. در اولین نشست چشم‌اندازهای بین‌المللی در افق برنامه ششم توسعه، **محمود سریع‌القلم** و **غلامحسین حسن‌تاش** سخنرانی کردند و در دومین نشست **چهره‌هایی چون فرشاد مؤمنی**، **حسن طایی** و **خسرو نورمحمدی** حضور یافتند و مقاله‌های خود را ارائه دادند. متن سخنرانی این اقتصاددانان در ادامه به طور خلاصه می‌آید:

بهره‌برداری اقتصادی است. بنابراین این دو مورد در ایران نیز باید تناسب منطقی داشته باشد و در انبوه تناقضات نمی‌توان منظر توسعه و پیشرفت ماند. به‌طورکل نمی‌توان در مدارهای حکمرانی چندین مکتب داشت، اما می‌توان رهیافت‌های مختلف سیاست‌گذاری داشت. وقتی دو کشور از لحاظ اقتصادی به یکدیگر قفل شوند، توسعه‌یافتگی رخ می‌دهد. به‌عنوان مثال چنین موردی در مکزیک رخ داده است، زیرا ۷۵درصد صادرات مکزیک در ۲۰سال گذشته نفت بوده، اما امروز کالا و خدمات است یا دوتریلیون دلار ارزش سرمایه‌گذاری در حاشیه خلیج فارس و ۳۰۰میلیارد دلار سود آن است که کیفیت زندگی در این منطقه تا ۱۵۰سال آینده تضمین شده است. بین‌المللی‌شدن، فعالیت متمرکز و تخصصی، تفکیک قدرت اقتصادی از قدرت سیاسی، تبادل با بازارهای کار، سرمایه و فناوری، پشتیبانی طبقه متوسط و اقشار حرفه‌ای جامعه از جمله فاکتورهای تحقق توسعه‌یافتگی در یک کشور است. ما هنوز با سلیقه، گرایش‌ها و خواسته‌های فرد کار کرده‌ایم و ساختارسازی نکرده‌ایم. در کشور ما دایره مدیریت باید یک دایره تخصصی شود. هند زمانی پیشرفت کرد که نظامیان هندی با نظامیان اروپایی تعامل و همکاری کردند. وقتی با آلمان، فرانسه و دیگر کشورها تعامل کردند، به گونه‌های مختلف پیشرفت کردند. این در حالی است که باید گفت حاکمیت باید در مقام میانجی میان جریان‌ها قرار گیرد و هرزمان این امر رخ دهد، می‌توان انتظار رشد و توسعه را داشت و اکنون این امر در کشورهایی مانند چین مورد توجه قرار گرفته است. یعنی حاکمیت کشور و سپس زیرمجموعه حاکمیت، منابع مختلفی دارند که حاکمیت میان آن توازن ایجاد می‌کند. حاکمیت علاقه‌مند به کشور و آینده خود، اختلافات در سطح سیاست‌گذاری‌ها و فهم دقیق محیط بین‌المللی از جمله مواردی است که باید موردتوجه قرار گیرد.

سیدانرژی ایران غیرمتنوع است
غلامحسین حسن‌تاش، اقتصاددان



تقاضای جهانی نفت‌خام در افق ۲۰۲۰ که تقریبا هم‌زمان با برنامه ششم خواهد بود، در قاره آمریکا و خاورمیانه افزایش محدودی دارد و از سوی دیگر این تقاضا در اروپا کاهش پیدا می‌کند و به‌طورکل یبشتر افزایش‌ها مربوط به هند و چین خواهد بود. کل تقاضای جهانی نفت‌خام از ۹۳میلیون بشکه در سال ۲۰۱۵، به ۹۹میلیون بشکه در ۲۰۲۰ می‌رسد که ۶٫۶درصد تغییر در این دوره رخ می‌دهد که تغییر قابل توجهی نیست و از این میزان حدود ۳میلیون بشکه را کشورهای غیراوپک تأمین می‌کنند که تولید آنها در حال افزایش است و سهم اوپک دراین‌میان حدود ۳۸میلیون بشکه است. باتوجه به برنامه‌های افزایش تولید کشورهای اوپک، تولید میعانات گازی به تناسب افزایش گاز در جهان که نوعی نفت‌خام سبک است، تقاضا برای نفت خام مختلف‌اند. نرخ تولید نفت و گاز توسط نظامیان صورت گرفته است. در کنار این موارد ذکرشده، نمونه‌ای از جهانی‌شدن را می‌توان در خرید فیس‌بوک مشاهده کرد که اخیرا واتس‌آپ را به قیمت ۲۱٫۸میلیارد دلار خریداری کرد یا آمریکا در قرن ۲۱ مهم‌ترین موضوع استراتژی خودش را تسلط بر آ‌ئی تعریف کرده است. پیش‌بینی می‌شود که نرخ رشد اقتصادی جهانی در ۲۰۱۸، ۶٫۸، انگلستان ۳٫۲ و آمریکا ۲٫۱ و اروپا و ژاپن یک درصد باشد و امروزه کشورهای مختلفی به جهانی‌شدن فکر می‌کنند. به‌عنوان مثال ۲۴درصد مردم کشور اندونزی در سال ۲۰۰۰ در خط فقر بودند که تنها با مدیریت در حوزه اقتصاد کلان، این رقم در سال ۲۰۱۲ به ۱۲درصد رسید. کشوری در صحنه سیاست خارجی موفق است که در صحنه داخلی در حال تولید قدرت باشد. کسانی با بحران بیرونی راحت‌تر برخورد می‌کنند که در درون خود قوی‌تر باشند. اگر بخواهیم در بیرون از مرزا قدرت خودمان را حفظ کنیم که شایسته مساحت، تاریخ، اندیشه، ادبیت و توسعه آن است، مجبوریم استراتژی درون کشور است که دائما قدرت تولید کند. متأسفانه اکنون کانون مذاکرات هسته‌ای، ضعیف‌نگه‌داشتن ایران است و تلاش‌ها بر این است که در رسیدن منابع ملی و مالی به ایران تأخیر ایجاد کنند و ماهیت کار سیاسی است نه فنی. بنابراین هدف‌ها بر بقای ایران است نه پیشرفت و توسعه آن. اجماعی در بخش‌های درون وجود دارد که ایران ضعیف بماند. امروزه آیا می‌پذیریم که مدیریت کشور ما به‌شدت بخشی است یا تعریف میانگین از نظام بین‌الملل با مقتضیات توسعه‌یافتگی در تضاد است؟ به‌عنوان مثال چنین‌ها تناقضات سیاسی‌شان با جهان، حدود ۱۵ درصد است و ۸۵درصد در حال بهره‌برداری اقتصادی هستند و این رقم در روسیه ۴۵درصد تناقضات سیاسی و ۵۵درصد

اقتصاد

بزرگان اقتصاد در همایشی بررسی کردند

اقتصاد ایران در آستانه برنامه ششم

شرق، مهدی دهقان؛ دیروز اولین روز از سومین همایش مرزهای دانش اقتصاد توسعه با عنوان «چالش‌ها و چشم‌اندازهای اقتصاد ایران در آستانه برنامه ششم،» در دانشگاه اقتصاد علامه طباطبایی برگزار شد. این همایش که امروز هم ادامه دارد، به مناسبت دوازدهمین سالگرد درگذشت دکتر حسین عظیمی در دو نشست جداگانه برگزار شد. در اولین نشست چشم‌اندازهای بین‌المللی در افق برنامه ششم توسعه، **محمود سریع‌القلم** و **غلامحسین حسن‌تاش** سخنرانی کردند و در دومین نشست **چهره‌هایی چون فرشاد مؤمنی**، **حسن طایی** و **خسرو نورمحمدی** حضور یافتند و مقاله‌های خود را ارائه دادند. متن سخنرانی این اقتصاددانان در ادامه به طور خلاصه می‌آید:

وجود ندارد و مشکلات یارانه نقدی بار سنگینی را بر صنعت نفت وارد می‌کند و مانع رشد این صنعت شد. طبق پیش‌بینی‌ها گفته می‌شود در افق ۱۴۰۳ واردکننده انرژی خواهیم بود. متأسفانه ما مسئولیت کنترل مصرف را به تولیدکننده‌ها داده‌ایم و تولیدکننده‌ها نیز از مصرف بیشتر ناراحت نیستند، زیرا بیکاری هر سال پیچیده‌تر از سال قبل خواهد شد. مسئله تأمین انرژی بدون توجه به منطق اقتصادی عمل می‌کنیم؛ به‌عنوان مثال اکنون بحث تأمین گاز دو میلیون خانوار روستایی مطرح است که معلوم نیست توجیه اقتصادی داشته باشد یا خیر. تداخل وظایف وزارت نفت و شرکت‌های ملی نفت ایران، عدم تجدیدنظر علمی در ساختار متناسب با تحولات، تغییرات ساختاربخده در ساختار و عامل تداخل و لوئت‌شدن مسئولیت و از سوی دیگر بحرانی‌بودن میزان بهره‌وری از جمله مشکلات ساختاری در حوزه صنعت نفت است. در حوزه پایین‌بودن بهره‌وری می‌توان تعدادی شرکت نفتی را نام برد که هیچ اقدامی انجام نمی‌دهند. تداخل‌های کارفرمایی و پیمانکاری و بدهی سنگین صنعت نفت، نبود انضباط مالی، فقدان طرح جامع توسعه و در بعد فنی ضعف در مطالعات مخزن از دیگر مشکلات پیش‌روی صنعت نفت است.

مخالف سرمایه‌گذاری خارجی در برنامه ششم هستم
فرشاد مؤمنی، اقتصاددان



چرا زمینه اصلی بحث در همایش امسال را چالش‌های کشور در آستانه برنامه ششم قرار داده‌ایم، پاسخ این است که در کشور ما فقط زمانی که تنش در میان روابط فرادستان افزایش پیدا می‌کند، به یکدیگر یادآوری می‌کنند که کشور شرایط دشواری دارد، اما در مورد وسعت چالش و چگونگی شکو‌گفتن آن و لوازم و ابزارهای برون‌رفت از آن بحثی مطرح نمی‌شود. اکنون شاهد این هستیم که چالش به قوت خود باقی است و روند نه چندان مطلوب موجود، استمرار دارد. باید روی کانون‌های جدی روندهای نگران‌کننده واگرایی در فرایند توسعه ملی و بحران‌های تهدیدکننده بقای نظام ملی و ریشه‌یابی و ارائه خطوط کلی سازوکار برون‌رفت از تنش‌های موجود کنیم. ضمن اینکه اگر گساختی طرح مسائل از سوی کارشناسان وجود نداشته باشد، چگونه می‌توانیم مسائل را حل کنیم. گزارش رسمی بانک مرکزی در فاصله سال ۸۳ تا ۸۹ نشان می‌دهد خلای حساب سرمایه ما منفی ۱۲۵ برابر افزایش پیدا کرده است و روند جهشی خروج سرمایه به تناسب آن خروج سرمایه انسانی را نیز به دنبال دارد. طبق گزارش بانک جهانی، ایرانی‌ها افتخار رتبه اول خروج سرمایه انسانی را همچنان حفظ کرده‌اند. طبق گزارش‌ها، تعداد بنگاه‌های تولیدی مشکل‌دار ایران تا سال ۹۲ حدود ۷۰۵ برابر، کسری بودجه خانوارهای ایرانی چهارونیم برابر و از سال ۸۲ تا ۹۱ میزان اشتغالی نیروی کار تأمین غذایی ۴۰۵ برابر افزایش پیدا کرده است؛ به عبارتی دیگر در اوج شکوفایی درآمد نفتی، متوسط اندازه تراز تجاری غیرنفتی ما به حدود ۴۰ میلیارد دلار منفی رسیده است. اگر جامعه به طور جدی دغدغه بقا داشته باشد، با توجه به اینکه امنیت ملی به تولید وابسته است، می‌تواند در مورد چنین مسئله‌ای بی‌تفاوت نباشد! آیا نباید با این موارد دست‌انخانه و بی‌پروا روبه‌رو شویم و از کل ظرفیت دانایی جامعه مدد بخواهیم تا تحلیل‌های عالمانه از چرایی این ماجرا ارائه دهند؟ به اعتبار مجموعه درکی که از واقعیت‌های کنونی ایران داریم راهبرد اصلی در برنامه ششم نباید جذب سرمایه خارجی باشد. وزیر اقتصاد دولت قبلی جمله تحقیرآمیزی بیان کرد و آن این بود که گفت برای سرمایه‌گذاران خارجی فرش قرمز پهن می‌کنیم، کسی که به فکر سرمایه خارجی است یعنی اهل چون‌وچرا و اهل اراده نیست. هر سرمایه‌گذاری جدید در اقتصاد رانتی، محملی برای توزیع رانت است و منجر به افزایش تولید نمی‌شود، بنابراین تا زمانی که برنامه‌ای برای ارتقای ظرفیت نابرابری از زمین‌فرد مشکلات نداشته باشیم، مشکلی حل نمی‌شود. دولت روی ابرها حرکت نکند و براساس واقعیت‌ها تصمیم‌گیری کند و بنگاه و طرح جدیدی با توجه به طرح‌های لاتلکلیف راه‌اندازی نشود. درخواست من از مجلس نیز این است که سه کاستی برنامه توسعه بعد از انقلاب را در دستور کار داشته باشیم؛ نخست دزظرفگرفتن بنیه کارشناسی در برنامه‌ها، دوم مسئله پاسخ‌گویی؛ زیرا تاکنون هیچ دولتی در قبال هدررفت منابع و برنامه‌هایی که انجام نداده‌اند، پاسخ‌گو نبوده است. درخصوص سومین موضوع نیز باید گفت، تجربه‌ای که در برنامه چهارم و پنجم توسعه مشاهده شد، نبود نظارت در این‌سال‌ها بود تا پاسخ‌گویی در برابر آن وجود داشته باشد.

سیستم مالی پاشنه آشیل اقتصاد جهان
حسن طایی، اقتصاددان



براساس گزارش ۲۰۱۵ سازمان بین‌المللی کار، باید سالانه ۴۲میلیون فرصت شغلی در جهان ایجاد شود. براساس تحقیقات انجام‌شده، بهبود شرایط اقتصادی در سال آینده قادر نیست نبودن توازن بین رشد اقتصادی و کاهش اشتغال سنوات قبل را جبران کند و بیکاری همچنان چالش بزرگ قرن ما خواهد بود. در آینده‌ای نزدیک اقتصاد جهان می‌تواند نرخ رشدی بیش از دوره قبل از بحران اقتصادی داشته باشد، بنابراین برای جذب تازه‌واردین به بازار کار، معضل بیکاری هر سال پیچیده‌تر از سال قبل خواهد شد. مسئله براساس مبارزه‌نکردن به صورت جدی با ریشه‌های بحران جهانی است. سیستم مالی کماکان پاشنه آشیل اقتصاد جهان است. صورت‌های مالی بانک‌ها بیانگر آن است که برخی از شرکت‌های خصوصی؛ شرکت‌های کوچک، دسترسی محدودی به اعتبارات دارند که مستقیما بر سرمایه‌گذاری تولیدی و ایجاد اشتغال تأثیر می‌گذارد. براساس یافته‌های جدید در بستر مباحث توسعه‌ای پس از سال ۲۰۱۵، در سال‌های آینده پیشرفت اندکی در کاستن فقر نیروی کار و اشکال آسیب‌پذیرتر اشتغال مانند مشاغل غیررسمی و سیاه پدید خواهد آمد. موردی که به مهم‌ترین موضوع جهان تبدیل می‌شود این است که نرخ رشد اقتصادی حاصل می‌شود اما اشتغالی به دنبال ندارد. پیش‌بینی می‌شود در سال ۱۴۰۰ جمعیت کشور ۸۵میلیون نفر، جمعیت در سنین فعالیت ۷۳٫۵ میلیون نفر، جمعیت فعال ۳۵ میلیون نفر، جمعیت شاغل ۳۱٫۵ میلیون نفر، نرخ مشارکت ۴۸درصد و نرخ بیکاری نیز ۱۰درصد خواهد بود. نرخ مشارکت و نسبت اشتغال به جمعیت پایین‌تر از نرم‌های جهانی، اما نرخ بیکاری در ایران بالاتر از متوسط جهانی است. با توجه به جمعیت شاغل هدف‌گذاری‌شده ۳۱٫۵میلیون نفری و نیل به نرخ بیکاری ۱۰درصدی در سال ۱۴۰۰، نیازمند نرخ رشد تولید ناخالص هفت‌درصدی در سال هستیم. برای یک دوره ۵۵ ساله نرخ رشد اقتصادی ۲٫۴ درصد بوده است. این دوره را اگر به دو قسمت قبل و بعد از انقلاب تقسیم کنیم، از سال ۳۷ تا ۵۸ نرخ رشد سالانه ۸٫۸ درصد بوده است، اما از سال ۵۷ تا ۹۳ حدود دودرصد بوده است. همچنین در دوره ۲۵ ساله بعد از انقلاب یعنی از سال ۶۸ تا ۹۳ نرخ رشد اقتصادی در ۲۴ درصد بوده است. ضمن اینکه میزان نرخ رشد سرمایه‌گذاری به قیمت‌های ثابت به‌عمران باید به بیش از هفت‌درصد با کارایی بالا برسد تا تولید و اشتغال مطلوب تحقق یابد. آنچه در اقتصاد و بازار کار ایران شاهد آن هستیم به‌هیچ‌وجه ناشی از رکود تئوری نیست بلکه به عوامل ساختاری در جمعیت و عرضه نیروی کار در چندین دهه انباشته‌شده از دهه قبل برمی‌گردد. ۲۲میلیون شاغل در ایران در بنگاه‌های بزرگ، کوچک، متوسط، خرد و مشاغل خانگی توزیع شده است. هر چه به سمت بنگاه‌های بزرگ رویم اشتغال کم و ارزش افزوده بالا می‌رود؛ یعنی وقتی به تولید و بهره‌وری فکر می‌کنیم، باید به بنگاه‌های بزرگ توجه کنیم. مشاغل خانگی، شغل زیاد ایجاد می‌کند، اما ارزش افزوده آن پایین است.

سرناسازگاری ساختار سیاسی با برنامه‌ریزی
خسرو نورمحمدی، محقق برنامه‌ریزی کشور

اگر دولت قصد دارد وارد بخشی شود باید با نوآوری، ابتکار و خلاقیت پیش رود، در غیر این صورت باید فضا را به بخش خصوصی یا فضای رقابتی واگذارد. تاکنون تحولات توسعه را به‌درستی متوجه نشده‌ایم، توسعه همه جنبه‌ها را به‌هم می‌ریزد و این امر به حدی عمیق است که یک جامعه به‌طور کامل از بین می‌رود و جامعه تمدن و کشور جدید به وجود می‌آید. اگر بخواهیم سبب رشد توسعه یک کشور شویم، باید دو بخش انسان‌محوری و علم‌محوری را بشناسیم و متناسب با شرایط مختلف آن را درک کرده و وارد اجزای آن شویم. مشکلات برنامه‌ریزی همچنان پایرجاست. نوع نگرش دوران برنامه‌ریزی ما سه دوره اصلی بیشتر نداشته است؛ دوره برنامه اول و دوم با هدف پروژه و طرح‌ها دنبال شد که به نسبت موفق عمل کرد، دوره دوم و طایی، برنامه دوم بود که سازمان برنامه‌ریزی از تمام ظرفیت جامعه استفاده کرد و در این برنامه نرخ رشد بالای ۱۰ادرد و تورم دودرصد را شاهد بودیم که در تاریخ ایران دیگر تکرار نمی‌شود. مشکلی که در سال ۱۳۲۵ در برنامه‌ریزی شاهد بودیم هنوز هم پایرجاست، ایران زمانی برنامه‌ریزی را شروع کرده که بحرانی و جنگ‌زده بود و دولت‌ها سریع جابه‌جا می‌شدند. تکنیک‌های برنامه‌ریزی هم‌چنان پایرجاست. نوع نگرش نیست. برنامه‌ریزی هسته‌ای و جامع هنوز شناخته شده نیست. اولویت‌بندی، متناسب با افراد متفاوت است و ساختار سیاسی با ساختار برنامه‌ریزی علمی تاکنون سرسازگاری نداشته است و مشارکت مردم در برنامه‌ها مشخص نیست و به کار گرفته نمی‌شود. مهم‌ترین مشکلات برنامه‌ریزی همچنان پایرجاست. به نظر می‌رسد دولت و مسئولان به سازمان برنامه، تفاهم علمی و سیاسی بر مفاهیم توسعه، میزان اقتدار علمی و اقتدار قانونی و سیاسی سازمان برنامه، میزان دانش و تخصص‌یافتگی دانش داخلی، مشارکت دستگاه‌های اجرایی و آخرین مورد میزان تفاهم علمی برمنبای توسعه میان سیاست‌مداران در امور برنامه‌ریزی بسیار حائز اهمیت است.

خبر

افزایش شاخص مقطعی است

عنوان شاخص	مقدار	تغییر
کل	۶۳۰۶۹٫۸	۱۸۳٫۹ ↑
۳۰ شرکت بزرگ	۲۸۸۹٫۹	۱۰۰٫۹ ↑
آزاد شناور	۷۳۳۹۱	۳۵۴۰۶ ↓
شاخص قیمت	۲۶۹۶۹۳	۷۸٫۶ ↓
شاخص کل (هم‌وزن)	۹۸۶۲٫۸	۵۹۵ ↓
شاخص قیمت (هم‌وزن)	۸۹۸۰۵	۵۴۳ ↓

● **شرق:** شاخص کل بورس اوراق بهادار تهران در پایان معاملات دیروز بورس بعد از دو هفته ریزش بدون وقفه، افزایشی موقتی را تجربه کرد و بالاخره سبز شد. این شاخص با افزایش ۱۸۲ واحدی، در رقم ۶۳هزارو ۶۹ واحد دست یافت. فراز مسافری‌راد به «شرق» گفت: روز دوشنبه هیچ اتفاق خاصی در بازار نیفتاده است که برمنبای آن شاخص مثبت شود. علت این افزایش واحد را باید در سه علت جست‌وجو کرد؛ نخست آنکه، بسیاری از سهم‌ها از ارزش ذاتی خود فاصله گرفته‌اند و مصلحتی به ادامه این روند وجود ندارد. دوم، به‌علت نزدیک‌شدن مجامع شرکت‌های بورسی، افزایش شاخص را باید انتظار کشید. سوم آنکه، افت بی‌وقفه شاخص در طول دو هفته اخیر، موجب شده است بازار در مقابل آن بایستد، هرچند این افزایش مقطعی خواهد بود. وی افزود: در بررسی‌های تکنیکال، شاخص هنوز به سطح حمایتی خود، که همان ۵۹هزارو ۸۰۰ تا ۶۰ هزار واحد است، نرسیده اما قصد دارد از ریزش بدون استراحت خود جلوگیری کند. دیروز نمادهای بانکی و خودرویی به سطح حمایتی خود رسیدند و این امر عاملی بود که از ریزش بیشتر جلوگیری شود. دراین‌راستا نماد شرکت چادرملو، مهم‌ترین تأثیر منفی را داشت و نمادهای بانک ملت، بانک صادرات، بانک تجارت، پالایش نفت اصفهان، سرمایه‌گذاری نفت و گاز و پتروشیمی تأمین و کشتیرانی جمهوری اسلامی در تقویت شاخص مؤثر بوده‌اند.

حباب سکه در آستانه ترکیدن

طلاو سکه	قیمت	تغییر
طرح جدید	۹۳۳۲۰۰	↓
طرح قدیم	۹۳۳۲۰۰۰	↓
نیم	۴۷۵۰۰۰	–
ربع	۲۶۵۰۰۰	–
گرمی	۱۸۰۰۰۰	–
گرم ۱۸ عیار	۹۵۵۰۰	↓
اونس * (دالر)	۱۱۹۰	↑

● **شرق:** نکته مشابه بازار سکه و ارز، کاهش قیمت در هر دو بازار بود. سکه‌ها در بازار دیروز با بدون تغییر قیمت معامله شدند یا اینکه افت قیمت را تجربه کردند. قیمت هر گرم طای ۱۸عیار هم همسو با سکه‌ها کاهش یافت. مصطفی قدرتی، معامله‌گر ارز و سکه، در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید: بازار سکه و طلا دیروز نزولی بود و به همین دلیل هم حباب سکه نسبت به روز شنبه باز هم کاهش یافت و به هشت هزار تومان رسید. بازار جهانی طلا که با نرخ هزارو ۱۸۸ دلار بسته شده بود، با نوسان قیمت همراه شد و در برخی ساعات، افت قیمت را تجربه کرد؛ اما در ساعت بسته‌شدن بازار دیروز تهران، قیمت هر اونس طلا تا هزارو ۱۹۰ دلار بالا آمد.

قیمت‌ها فرسایشی شدند

ارز *	قیمت(تومان)	تغییر
دالر آمریکا	۳۳۰۵	↓
یورو	۳۷۳۵	↓
پوند	۵۱۲۳	↓
درهم	۹۰۷	↓

● **شرق:** دلار فرسایشی در مسیر کاهش قیمت قدم برمی‌دارد. صبح دیروز معاملات دلاری با نرخ سه‌هزارو ۳۱۶ تومان آغاز شد. رفته‌رفته از قیمت دلار کاسته شد به طوری که دلار بانکی تا سه‌هزارو ۳۰۵ تومان پایین آمد؛ ولی دلار آزاد در همان مسیر اما بالاتر یعنی سه‌هزارو ۳۱۱ تومان ایستاد. مصطفی قدرتی، معامله‌گر ارز و سکه در گفت‌وگو با «شرق» بازار ارز را آرام و قیمت‌ها را کاهش‌ی با رویکرد فرسایشی توصیف می‌کند. کاهش قیمت دامنگیر سایر ارزها هم شد. سه ارز یورو، پوند و درهم به ترتیب در مقایسه با روز یکشنبه، هفت، هفت و یک تومان کاهش قیمت داشتند.

خبر

مدیران «میزان» در اختیار دستگاه قضا قرار گرفتند

● **باشگاه خبرنگاران:** مدیران مؤسسه «میزان» به اعضای هیات‌مدیره مؤسسه میزان مهلت دوهفته‌ای دادند تا بتوانند حقوق مردم را پرداخت و جلب رضایت کنند، اما چون نتوانستند هر سه عضو هیات‌مدیره این مؤسسه در اختیار دستگاه قضائی قرار گرفتند.

میدان نفتی یاران شمالی پلمب شد

● **ایسنا:** مجری طرح توسعه میدان نفتی یاران شمالی از پلمب‌شدن این میدان خبر داد.

● **باشگاه خبرنگاران:** مدیران مؤسسه «میزان» به اعضای هیات‌مدیره مؤسسه میزان مهلت دوهفته‌ای دادند تا بتوانند حقوق مردم را پرداخت و جلب رضایت کنند، اما چون نتوانستند هر سه عضو هیات‌مدیره این مؤسسه در اختیار دستگاه قضائی قرار گرفتند.